



روسیه کوچک در دستان روسیه بزرگ،

فرصتهایی برای ایران

نوشته: رامین فرهودی

اندیشکده ترند - اسفند ۱۴۰۰



چکیده

آغاز جنگ روسیه با اوکراین جامعه جهانی را تحت تاثیر شدید خود قرار داده است. این در حالی است که اوکراین بارها و بارها از هم پیمانان غربی خود درخواست پیوستن به ناتو برای ایستادگی در برابر روسیه را داشت. این خواسته اوکراین بهانه ای شد تا روسیه لشکرکشی خود را از بامداد ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ به خاک همسایه شرقی اش آغاز کند و اوکراین در بازی جنگ و قدرت شرق با غرب تنها و بی دفاع رها شود. این جنگ علی رغم آنکه تبعات انسانی و بین المللی گسترده ای در پی دارد اما در عمل می تواند باعث رفع بخشی از نیازهای کشورهای جهان به ویژه ایران در حوزه دفاعی، موشکی و صنعت هوانوردی شود. فرصتی که می توان با مدیریت به موقع و حضور فعال توسط مسوولان کشورمان در آن منطقه تبدیل به فرصتی برای آینده کشورمان کرد.

واژگان کلیدی:

اوکراین، روسیه، جنگ اوکراین، ناتو، امریکا، ایران



مقدمه

طی دو سه روز اخیر استخوان های اوکراین مثل بیسکویت های توزیع شده توسط معاون وزیر امور خارجه امریکا در بین شورشیان اوکراینی در سال ۲۰۱۴، زیر چرخ های نظامی روسیه خرد شده و سرنوشت نامعلوم اوکراین، توجه رسانه ها و سیاستمداران را به سمت خود جلب کرده است.

شامگاه ۲۴ فوریه/ ۸ اسفند ولادیمیر زلنسکی رئیس جمهور اوکراین مجبور شد تا پس از بی نتیجه ماندن تماس هایش با ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه، پیام خود را از طریق امانوئل مکرون رئیس جمهور فرانسه به کرملین برساند اما پاسخ پوتین چیزی جز تشریح دلایل حمایت از جدایی طلبان دونباس و تهدید اروپا به واکنش فوری در صورت دخالت در این ماجرا نبود.

اوکراین کجاست؟

اوکراین یکی از کشورهای اروپای شرقی است. این کشور از شرق با روسیه؛ در شمال با بلاروس؛ از غرب با لهستان، اسلواکی و مجارستان؛ از جنوب غربی با رومانی و مولداوی هم‌مرز است و در جنوب آن دریای سیاه و دریای آزوف قرار دارد و پایتخت آن شهر کی‌یف و زبان رسمی آن زبان اوکراینی می‌باشد. اوکراین را روسیه کوچک نیز می‌نامند.

نوع حکومت اوکراین جمهوری بوده که از ۲۴ استان تشکیل شده‌است و دارای یک بخش خودمختار به نام کریمه نیز است. پس از فروپاشی شوروی، اوکراین بعد از روسیه دارای بزرگ‌ترین ارتش در اروپا است. زبان اوکراینی زبان رسمی این کشور است و زبان روسی نیز کاربرد گسترده‌ای دارد.

اوکراین کشوری غرق در فساد با رئیس‌جمهورهایی فاسدتر

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی اغلب کشورهای استقلال یافته با مشکل فساد در درون ساختار سیاسی و اقتصادی خود مواجهند و اوکراین نیز از این قضیه مستثنی نیست. پس از فروپاشی شوروی، اقتصاد اوکراین به سمت مالکیت خصوصی و بازار آزاد حرکت کرد. این روند انتقالی برای



خانوارهای اوکراینی که اغلب فقیر بودند و هیچگاه فعالیت اقتصادی خصوصی را تجربه نکرده بودند بسیار سخت بود.

اقتصاد اوکراین دوران فلاکت باری را پس از شوروی سپری کرد به نحوی که رشد اقتصادی این کشور تا یک دهه به صورت پیاپی منفی بود. فقر روز بروز گسترده‌تر می‌شد و تورم سرسام‌آوری دامن مردم را رگفته بود. در سال ۱۹۹۴ رشد اقتصادی این کشور به منفی ۲۲٪ سقوط کرد.

سال ۱۹۹۴ برای اوکراین سال شروع تغییرات بود. در این سال و در اوج ناکامی و فلاکت اقتصادی مردم آن کشور به پای صندوق رای رفتند و «لئونید کوچما» را به عنوان دومین رئیس‌جمهور کشور مستقل اوکراین برگزیدند. او به زبان اوکراینی صحبت نمی‌کرد و با اکثریت قاطع آرای مردم نیمه شرقی اوکراین که عموماً روس تبار هستند انتخاب شد ولی مجموعه اقدامات او باعث شد که پنج سال بعد در نیمه غربی اوکراین هم اکثریت بالایی بدست آورد و دو دوره به ریاست جمهوری انتخاب شود.

کوچما در دوران ریاست جمهوری اش ترمز تورم را کشید و روابط سیاسی و اقتصادی اوکراین با روسیه را بازسازی کرد. به این ترتیب او موفق شد از پیوندهای عمیق اقتصادی اوکراین و روسیه به نفع کشورش استفاده کند. پس از آن اوکراین توانست با تکیه بر منابع کشاورزی، معادن غنی و بازسازی صنایع به جای مانده از قبل، برای یک دهه رشد اقتصادی قابل قبولی را نگه دارد.

همچنین در یک دورخیز سیاسی، کوچما در خواست رسمی برای عضویت در اتحادیه اروپا داد و اعلام کرد که کشورش تا سال ۲۰۰۷ می‌تواند به استانداردهای لازم برای عضویت در اتحادیه اروپا برسد. چیزی که نه تنها تاکنون محقق نشده بلکه منشأ اختلافات بزرگی هم در جامعه اوکراین شده‌است، عاملی که موجب شده تا غرب با قول حمایت از آنها در صورت تعریف قوانینی برای شفاف سازی در این کشورها به رقیبی جدی برای روسیه به عنوان قدرت منطقه شرق اروپا تبدیل شود.

۲۱ نوامبر ۲۰۱۳ نقطه آغازین اعلام تمایل رسمی جامعه اوکراینی به سمت اتحادیه اروپا بود. وقتی «ویکتور یانوکوویچ» رئیس جمهوری و «نیکولای آزاروف» نخست وزیر وقت اوکراین اعلام کردند که حاضر نیستند توافقنامه مربوط به مشارکت با اتحادیه اروپا را امضاء کنند. این اتفاق موجب شد تا سرانجام در اوایل سال ۲۰۱۴ برخوردهای خشونت آمیز و خونین جوانان اوکراینی ای که



رویای اتحادیه اروپا را در سر می پروراندند منجر به فروپاشی دولت در این کشور شود؛ به واقع رویای پیوستن به اتحادیه اروپا کلید گشوده شدن تمام مشکلات اوکراین بود.

پیش از آن جامعه اوکراینی تجربه انقلاب مخملی را در سال ۲۰۰۴ داشت که با هدایت فکری و مالی امریکایی ها علیه دولت وقت، هواداران غرب را به خیابان ها ریخته و دولت را سرنگون کردند.



اما این تجربه برای اوکراینی ها تجربه ای ناموفق بود چرا که رئیس جمهور انقلاب مخملی « یولیا تیموشنکو » به دلیل فساد گسترده مالی خود در اداره اوکراین به هفت سال زندان محکوم و سال ۲۰۱۰ دوباره یانوکوویچ به ریاست جمهوری اوکراین انتخاب شد.

جامعه اوکراین علی رغم پشت سر گذاشتن تجربه تلخ کودتای مخملی امریکایی در این کشور اما دوباره سال ۲۰۱۴ در دام آنها افتاد و این بار دخالت غربی ها به ویژه امریکایی ها به قدری آشکار بود که معاون وقت وزیر امور خارجه امریکا « ویکتوریا نولاند » آشکارا به توزیع بیسکویت و شیرینی در بین شورشیان مشغول بود. ماجرا از آنجا آغاز شد که بحران مالی دامن اوکراین را گرفته بود و غرب در تلاش برای القای این بود که علت همه اینها به دلیل نزدیکی اوکراین به روسیه است.

ویکتوریا نولاند در
حال توزیع شیرینی
و بیسکویت در بین
شورشیان اوکراینی



کار کم به جاهای باریک کشیده شد و دخالت های غربی ها در اوضاع داخلی اوکراین بالا گرفت، از پیام های تهدید آمیز وزرای دفاع تا سیاستمداران اروپایی و امریکایی. یکی از راهکارهای اروپایی



ها برای به اضمحلال کشیدن توان داخلی اوکراین استفاده از عنصر تطمیع دولت به شرط تشکیل یک دولت انتقالی برای رفع مشکلات اقتصادی داخلی با شعار اصلاحات واقعی بود.

اقداماتی از این دست اوضاع را بیش از پیش در داخل اوکراین متشنج می کرد چرا که مخالفان دولت باور داشتند این کمک ها می تواند کشورشان را از بحران موجود رها کند اما کسی از پس پرده با خبر نبود. با برکناری ویکتور یانوکوویچ توسط پارلمان و انتخاب « پترو پوروشنکو » سرمایه دار طرفدار غرب به ریاست جمهوری و آرسن یاتسنیوک (شاگرد ویکتوریا نولاند) به نخست وزیری، ظاهراً غرب به خواسته خود مبنی بر حاکم شدن یک دولت غربگرای ضدروس محقق شد، لیکن مردم اوکراین هزینه سنگینی بابت این آشوب پرداخت کردند که مهم ترین این هزینه ها تجزیه شرق اوکراین (شبه جزیره کریمه) توسط روس تبارهای مخالف دولت کی یف، دویارگی جامعه اوکراین بین ملی گرایان افراطی اوکراین و طرفداران نزدیکی به روسیه و همچنین تداوم و تعمیق فساد گسترده و وضعیت فلاکت بار اقتصادی بوده است.

اما سال ۲۰۱۶ با انتشار « اسناد پاناما » ماهیت پوروشنکو بر ملا شد. بر اساس این اسناد وی به عنوان رئیس جمهور اوکراین با راه انداختن یک تجارت پنهان برای فرار مالیاتی از حساب های خارجی استفاده می کرد. بعدها وی اعلام کرد « بنیاد روچیلد » را به عنوان یکی از بزرگترین بنیادهای یهودی دنیا به عنوان امین الاموال خود تعیین کرده تا بزرگترین شرکت شکلات سازی او به نام « روشن » را بفروشد تا تمام توان خود را برای مقابله با فساد سازمان یافته در اوکراین اختصاص دهد. این رئیس جمهور دارای رگ و ریشه یهودی نه تنها تاکنون این شرکت را نفروخته بلکه همچنان در لیست ثروتمندترین مردان اروپا با ۷۵۰ میلیون دلار دارایی قرار دارد.

بر اساس یکی از این اسناد، او در تاریخ ۲۱ آگوست ۲۰۱۴، « شرکت پرایم آسیت پارتنرز لیمیتد » را در جزایر « بریتیش ویرجین » (بهشتی برای فرار مالیاتی) به ثبت رساند. این درست همان تاریخی است که یکی از سهمگین ترین نبردها در جریان جنگ شرق اوکراین میان روس تبارهای شرق اوکراین و ارتش این کشور در جریان بود. در این تاریخ ارتش اوکراین با به جا گذاشتن ۱۰۰۰ کشته و صدها مجروح مجبور به عقب نشینی از یکی از مواضع مهم خود شد. در چنین شرایطی، رییس



جمهور «انقلابی» کشور به دنبال ثبت شرکت در خارج از کشور، برای سرمایه گذاری های خارجی و فرار از مالیات بود!

حال اوکراین نه تنها در پی انقلاب رنگی خود، منطقه راهبردی «کریمه» را از کف داد، و نه تنها وارد یک جنگ خونین با روس تبارهای خواهان استقلال در لوبانسک و دونتسک شد، که به لحاظ وضعیت داخلی و هم به لحاظ سیاسی و اقتصادی در آستانه یک بن بست است.

انتشار اخباری از این دست باعث شد تا سرمایه گذاری خارجی در اوکراین به حداقل ممکن برسد، دولت استفاده از ذخایر بانک مرکزی برای پرداخت بهای گاز مصرفی شهروندان اوکراینی را بررسی و عدم اعتماد به ساختار فسادانگیز دولتی در بین مردم این کشور افزایش یابد.

این دلایل موجب شد تا در انتخابات ۲۱ آوریل ۲۰۱۹ «ولادیمیر الکساندروویچ زلنسکی» کمترین



برنامه تلویزیونی خادم مردم بدون هیچ پیشینه سیاسی با کسب ۷۰ درصد آرای مردم اوکراین رئیس جمهور این کشور شود.

وی پیش تر معلم تاریخ بود و در اعتراضات آنلاین علیه فساد در این کشور به شهرت رسید.

زلنسکی که در ماه مه همان سال به عنوان ششمین رئیس جمهوری اوکراین و اولین رئیس جمهور یهودی این کشور سوگند یاد کرد، برای انجام سه کار انتخاب شد. در وهله نخست، با تاکید ویژه بر مهار نفوذ الیگارشی های فوق ثروتمند اوکراین،

به فرهنگ فساد اوکراین پایان دهد. در مرحله دوم، اقتصاد بیمار و مریض اوکراین را تقویت کند و آن را بهبود بخشد. و در آخر، یافتن راهی برای حل اختلافات کشور با شورشیان تحت حمایت روسیه در شرق؛ جایی که تخمین زده می شود از سال ۲۰۱۴ حدود ۱۴ هزار نفر از هر دو طرف کشته شده اند. البته این رئیس جمهور نیز به خرید خانه هایی در لندن با پول یکی از شبکه های تلویزیونی اوکراین متهم شد، اتهامی که تاکنون ثابت نشده است.

در طول دوران کاری زلنسکی نشانه هایی از افزایش سرمایه گذاری خارجی در اوکراین دیده شد، ذخایر طلا و ارزی آن افزایش یافت و همین امر باعث شد تا بیم از ورود دوباره روسیه به صحنه



سیاسی اوکراین، زلنسکی را به فکر پیشنهاد پیوستن به پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) بیندازد، موضوعی که به مذاق روسیه خوش نیامد چرا که روسها معتقد بودند غربی ها قول نزدیک نشدن به مرزهای روسیه را داده اند و در صورت پیوستن اوکراین به ناتو این موضوع به طور عملی زیر پا گذاشته می شود. به عبارتی روس ها غیر مستقیم به ناتو گفته بودند که تا فاصله دوهزار کیلومتری حق نزدیک شدن به مرزهای روسیه را ندارند.

ناتو(پیمان آتلانتیک شمالی) در شرق اروپا و کشمکش با روسیه

ناتو در ۴ آوریل سال ۱۹۴۹ با هدف دفاع دسته جمعی در واشنگتن میان ایالات متحده آمریکا، اعضای پیمان بروکسل یعنی بریتانیا، فرانسه، هلند، بلژیک و لوکزامبورگ و دیگر کشورهای بلوک سرمایه‌داری که به این پیمان دعوت شده بودند مانندکانادا، دانمارک، ایسلند، ایتالیا، نروژ و پرتغال به امضا رسید.

قلب پیمان ناتو ماده پنج آن است که کشورهای امضاکننده توافق کرده‌اند حمله نظامی علیه یک یا چند کشور عضو در اروپا یا آمریکای شمالی را به عنوان حمله به تمامی کشورهای عضو تلقی کنند و به مقابله آن برخیزند.

از سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۴ میلادی، ۱۰ کشور کمونیستی سابق به عضویت ناتو درآمدند و شمار اعضای ناتو به ۲۶ کشور افزایش یافت. در سال ۲۰۰۸ تلاش‌هایی برای گسترش ناتو به حوزه بالتیک و پیشروی مرزهای ناتو به نزدیکی مرزهای روسیه انجام گرفت که در این بین با شروع مذاکرات برای عضویت سه کشور آلبانی، کرواسی و جمهوری مقدونیه در ناتو موافقت شد. ولی درابتدا مخالفت‌هایی با عضویت گرجستان و اوکراین که هم‌مرز با روسیه می‌باشند صورت گرفت چرا که از پیش شرط‌های عضویت در ناتو قرار داشتن جغرافیایی در اروپا، داشتن دموکراسی و در نهایت داشتن ظرفیت و اراده کافی برای مشارکت در امور ناتو است که در نهایت پس از شروع جنگ اوستییای جنوبی ۲۰۰۸ حمایت‌ها برای عضویت گرجستان افزایش یافت اما تاکنون پذیرش گرجستان در ناتو به صورت رسمی اعلام نشده و تنها یک دفتر ناتو در آن مستقر شده است و این به دلیل اختلافات جغرافیایی و دموکراتیک در آبخازیا و اوستییای جنوبی است.



روز دوشنبه ۵ ژوئن ۲۰۱۷ توماس شانون معاون وزیر امور خارجه آمریکا سند ورود مونته‌نگرو برای الحاق به پیمان آتلانتیک شمالی را پذیرفت. دو سکو مارکویچ نخست‌وزیر مونته‌نگرو رسماً این سند را به ناتو ارائه کرد و به این ترتیب مونته‌نگرو بیست و نهمین عضو ناتو شد.

سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) روز جمعه ۲۷ مارس ۲۰۲۰ اعلام کرد که مقدونیه شمالی رسماً به این پیمان نظامی پیوست.

اما اوکراین نیز سرنوشتی شبیه به گرجستان دارد. اختلافات جغرافیایی داخلی در کریمه، لوهانسک و دونتسک مانع از قبول آن به عنوان عضوی از ناتو شده است.

با این حال طرح گسترش ناتو به نزدیکی مرزهای روسیه باعث نگرانی دولت روسیه شد. پس از شروع جنگ اوستیای جنوبی ۲۰۰۸ و امضای قرارداد سپر موشکی آمریکا با لهستان این نگرانی‌ها افزایش پیدا کرد و در نهایت به کاهش روابط روسیه و ناتو در قالب شورای مشورتی و عدم شرکت روسیه در مانور مشترک نظامی با ناتو شد، جمهوری آذربایجان به مرکز لجستیک ناتو در جبهه افغانستان تبدیل شد و نیروهای آذری در قالب طرح مشارکت کشورها در صلح به افغانستان اعزام شدند.

روسیه بارها در مورد نزدیکی ناتو به مرزهای هشدار داده بود؛ سازمانی که تحت پوشش به اصطلاح «دفاعی»، اهداف و منافع غرب در حوزه نفوذ سنتی روسیه را دنبال می‌کند.

رئیس جمهوری روسیه در جریان تنش کنونی نیز بارها تاکید کرده آمریکا و ناتو به مطالبات امنیتی اصلی مسکو در مورد اوکراین پاسخ نداده‌اند.

پوتین در یک ماه اخیر بارها و از جمله در جریان گفت‌وگوی تلفنی اخیرش با رئیس جمهوری فرانسه و همچنین نشست مجازی با بایدن به صراحت اعلام کرده که درخواست‌های اصلی روسیه «عدم پیوستن اوکراین به ناتو، عدم استقرار تسلیحات تهاجمی در نزدیکی مرزهای روسیه و بازگرداندن قابلیت‌ها و ساختارهای نظامی ناتو به وضعیت پیش از پیوستن کشورهای عضو پیمان «ورشو» به ناتو» است؛ پیمانی که در دوره جنگ سرد، بسیج کشورهای بلوک شرق را در برابر اعضای ناتو برعهده داشت.



اطلاعات آمریکایی، انکارهای روسی، نگرانی های اوکراینی

استقرار نیروهای نظامی روسیه در مرز با اوکراین، از سوی مقام های غربی به قصد این کشور برای تهاجم به اوکراین تعبیر می شد. این مساله، محور نشست ۱۱ بهمن شورای امنیت بود که به درخواست آمریکا تشکیل شد. در این نشست سفیر ایالات متحده در سازمان ملل، روسیه را متهم کرد که با استقرار بیش از ۱۰۰ هزار نیروی نظامی در مرز اوکراین به همراه بلاروس در صدد «انجام عملیاتی تهاجمی علیه اوکراین» است.

او به منظور واهمه سازی و در نتیجه همراه سازی اوکراینی ها گفت: ما پیش از این قواعد کتاب بازی روسی را دیده بودیم. آنها از اطلاعات نادرست استفاده می کنند. آنها اوکراینی ها را تشویق می کنند که نگران حمله نباشند، اما می دانیم که حمله ممکن است. اگر قصد استفاده از نیروهای نظامی را نداشته باشید، صد هزار نیرو جمع نمی کنید.

کشورهای غربی در حالی روسیه را به تحریک مرزی متهم می کردند که روسیه بارها تاکید کرده بود قصد ندارد به اوکراین حمله کند. «واسیلی نبنزیا» سفیر روسیه در ایالات متحده، در نشست شورای امنیت تاکید کرد که «هیچ شواهدی» وجود ندارد که نشان از برنامه ریزی مسکو برای اقدام نظامی علیه اوکراین داشته باشد.

اما سرانجام در یک تحول غیرمنتظره و بر خلاف بسیاری از پیش بینی های به عمل آمده «ولادیمیر پوتین» رئیس جمهور روسیه بامداد پنجشنبه ۲۴ فوریه/۸ اسفند ماه آغاز عملیات نظامی در اوکراین را اعلام کرد.

پوتین در سخنانی خطاب به مردم روسیه تاکید کرد که شرایط اقتضا می کرد مسکو اقدامات قاطع و فوری اتخاذ کند با توجه به اینکه جمهوری های «دونباس» از مسکو درخواست کمک کرده اند.

وی ادعا کرده کشورش در صدد اشغال اوکراین نیست بلکه می خواهد آن را خلع سلاح کند.

رئیس جمهور روسیه گفت: "هدف از انجام عملیات نظامی حمایت از افرادی است که طی هشت سال گذشته از سوی رژیم کی یف در معرض قلدربمایی و کشتار دسته جمعی قرار داشتند و بر



همین اساس سعی داریم تا اوکراین را خلع سلاح کرده و افرادی که مرتکب جنایت شده و دست شان به خون غیرنظامیان از جمله شهروندان روس آغشته شده را تحویل عدالت دهیم."

اما اینکه چرا روسیه از قول خود برای حمله نکردن به اوکراین عدول کرده « الکساندر دودچاک » کارشناس مطالعات راهبردی درباره آن به الجزیره گفته است: مسکو موضع خود را تغییر داد زیرا غرب به درخواست های مسکو در خصوص ارائه تضمین های امنیتی پاسخ و واکنش رضایت بخشی از خود نشان نداد .

دودچاک گفت : غرب گردآمدن نیروهای نظامی اوکراین در خطوط تماس با منطقه دونباس و همچنین حمله نظامی شکل گرفته علیه نیروهای نظامی دو جمهوری « لوهانسک » و « دونتسک » را نادیده گرفت که ده ها کشته به همراه داشت و باعث آواره شدن مردم در این دو جمهوری گردید .

« ویتالی لیوتفکین » کارشناس نظامی نیز در گفت و گو با الجزیره در ارتباط با آغاز عملیات نظامی در اوکراین گفت : روسیه در صدد انجام عملیات نظامی علیه اوکراین نبود و سعی داشت تا از تریبون سازمان ملل استفاده کند و از فرانسه و آلمان خواست تا اوکراین را تحت فشار قرار دهند اما آنان به جای در پیش گرفتن راهکار دیپلماتیک و برخورد جدی با دغدغه های روسیه با تمسخر و بی تفاوتی با درخواست های مسکو برخورد کردند .





از نظر این کارشناس نظامی یکی دیگر از عواملی که باعث شد تا مسکو در آخرین لحظه چنین تصمیمی اتخاذ کند، آن بود که رئیس جمهور اوکراین به سیاست تحریک آمیز خود علیه روسیه ادامه داد و از تلاش های کشورش برای دستیابی به تسلیحات هسته ای سخن به میان آورد در حالی که خود او و همپیمانان غربی اش می دانستند که موضوع یاد شده خط قرمزی است که مسکو به اوکراین اجازه عبور از آن را نمی دهد .

این موضوع بارها از سوی سیاستمداران اوکراینی مورد تاکید قرار گرفته بود که غربی ها در ازای کنار گذاشتن بمب های اتمی توسط کشورشان در سال ۱۹۹۴ به عنوان چهارمین قدرت اتمی دنیا قول حمایت و همراهی با آنان در برابر روسیه را داده بودند اما اینک هیچ اقدامی از سوی آنان در حمایت از اوکراین دیده نمی شود.

ملاقات های ویژه پوتین با رووسای جمهور کشورهای جهان قبل از جنگ

در همین راستا برخی سفر اخیر آیت الله «سید ابراهیم رئیسی» رئیس جمهوری به روسیه در روزهای پایانی دی ماه و دیدار با پوتین را به تلاش مسکو برای یارکشی در برابر غرب در بحبوحه بحران اوکراین معنا کردند. همچنین چندی پیش بود که رئیس جمهوری اسبق کشورمان در دیدار با جمعی از فرهنگیان کشور ادعا کرد که روسیه با آمریکا روی ایران و اوکراین با هم معامله کرده اند؛ به این معنا که روسیه، اوکراین را مورد حمله قرار دهد و آن طرف هم اجازه داشته باشد به سمت ایران بیاید . این سخنان، انتقادهای بسیاری را برانگیخت و بسیاری، این اظهارات را به اقدام خلاف امنیت ملی تعبیر کردند. این در حالی است که بسیاری از تحلیلگران، بر کنشگری مستقل و فعالانه ایران در عرصه منطقه ای و بین المللی اذعان دارند .

پوتین در دیدار خود با آیت الله رئیسی گفت: خیلی وقت بود که منتظر دیدار با شما بودم، ما کارهای زیادی برای انجام دادن داریم.

پس از آن ملاقاتی با مکرون رئیس جمهور فرانسه داشت و سپس با الهام علی اف رئیس جمهور جمهوری آذربایجان دیدار کرد و بعد هم ملاقاتی با نماینده آلمان داشت.



به نظر می‌رسد پوتین در دیدار با آیت الله رئیسی و علی اف در مورد قصد خود برای برخورد با ناتو در مرزهای غربی اش آشکار یا پنهان سخن گفته باشد و در خصوص تبعات بعدی آن گفتگو کرده باشد. آن چه برای طرف آذربایجانی می‌توان متصور شد این است که جمهوری آذربایجان در زمان سرگرمی روسیه به مسئله جنگ اوکراین حق تجاوز به استان سیونیک ارمنستان را نداشته باشد و امنیت ایجاد شده در قفقاز جنوبی را مخدوش نکند.

اما ایران چه وظایفی را بر عهده گرفته است یا چه نقشی را می‌تواند ایفا کند. بی شک پس از شروع جنگ علیه اوکراین تحریم های اقتصادی سنگینی علیه روسیه وضع خواهد شد از این رو فعال کردن یک خط اعتباری پولی برای مبادلات بین المللی در شرایط تحریم با وساطت ایران و تکمیل کریدور شمال جنوب توسط جمهوری اسلامی ایران برای تکمیل چرخه تجاری روسیه با آبهای آزاد موردی است که می‌تواند مورد تقاضای طرف روسی از کشورمان باشد.

فرصت های جنگ اوکراین برای جمهوری اسلامی ایران

مشغول شدن روسیه به اوضاع اوکراین و ساماندهی شرایط آن چند سالی طول خواهد کشید و منازعه به وجود آمده تامین گاز اروپا را با مشکل مواجه خواهد کرد، از این رو احتمال نرمش در قضیه برجام برای تامین انرژی اروپا وجود دارد تا ایران جایگزین روسیه در این بازار شود. وضعیت متشنج روسیه وضعیت بازار نفت را کمی پیچیده کرده است. تنها کشوری که می‌تواند وضعیت نفت در جهان را در کوتاه مدت کنترل کند، ایران است. عرضه چند ده میلیون بشکه نفت موجود در کشتی های ایرانی در بازار جهانی نفت می‌تواند کمی التهابات را کاهش دهد. اکنون بهترین زمان برای امتیازگیری ایران از غرب است. در واقع غرب می‌تواند با احیای برجام، نفت بیشتری در بازار عرضه کند و اهرم قدرت روسیه را لرزان کند. در این بین قابلیت قطر در مایع سازی گاز و صادرات دریایی آن نیز باید مد نظر قرار گیرد و ملاقات های اخیر رئیس جمهوری ایران با امیر قطر شاید در این زمینه نیز صحبت هایی را در بر داشته است.

از سوی دیگر درآمد ناشی از صادرات کالاهای روسیه از مسیر کریدور شمال جنوب برای ایران می‌تواند درآمد مناسبی را ایجاد کند که این امر توسط کاظم جلالی سفیر کشورمان در روسیه به ناگهان در مصاحبه ای با ایرنا برای اتمام سریع این کریدور مورد تاکید قرار گرفت.



روسیه کوچک در دستان روسیه بزرگ، فرصتهایی برای ایران

نیاز بازار روسیه به تامین کالا برای داخل فرصت تجاری مناسبی است که روسیه حتما بخش عمده ای از آن را از طریق ایران تامین خواهد کرد چرا که واکنش های ترکیه به عنوان عضوی از ناتو علیه آن این بار هم دست تجار ترک از بازار روس ها را کوتاه خواهد کرد.

خلاء حضور روسیه در سوریه برای نیروهای تکفیری جذاب است و بیش از همه ترکیه به عنوان رقیب منطقه ای برای ایران و روسیه علاقمند به پر کردن این جای خالی در سوریه است تا به از سرگیری منازعات و تقویت نیروهای تکفیری در خاک سوریه کمک کند.

دانشمندان هسته ای اوکراین اکنون مجبور به همکاری با نیروهای روسی یا کشورهای غربی هستند. این جنگ فرصتی است تا از توان این دانشمندان در پیشبرد برنامه های هسته ای کشورمان بهره مند شویم. همچنین اوکراین در زمینه موشک و فضا، صنعت هوانوردی، رادار و کشتی سازی شرکت های زبده ای با کارشناسانی ارزشمند را داراست که می توان با جذب آنان به صنایع مربوط در داخل کشور شتاب بخشید.



جمع بندی:

بی وفایی غربی ها به هم پیمانان ضعیفشان در طول تاریخ سیاسی معاصر ثبت و ضبط شده و داشتن امید واهی به حمایت آنان می تواند سرنوشتی مانند سرنوشت اوکراین را برای خوش باوران در پی داشته باشد. این اقدام باید سرلوحه کار سیاستمداران قفقاز جنوبی در تمایل به قدرت های غربی و ساختارهای ناکارآمدشان مانند ناتو و در ادامه مانع خیانت یا بی محلی آنها به قدرت های منطقه ای و همسایگانیشان باشد چرا که نتایج جبران ناپذیری برایشان در پی خواهد داشت.

از سوی دیگر کنار گذاشتن توانمندی های بومی در حوزه های دفاعی و امنیتی و اتکا به تجهیزات نظامی کشورهای بیگانه و تحلیل های اطلاعاتی آنها می تواند کشور را دچار فروپاشی کند. لذا ضروری است تا بنیان های دفاعی و سازمان اطلاعاتی بومی کارآمدتر و در بین سیاسیون مورد اعتمادتر باشند.

فرصت پیش آمده در پی جنگ روسیه و اوکراین باید برای ایران تبدیل به ارزش افزوده های مالی ، نظامی و علمی شود و در این بین نباید از فشارهای احتمالی روس ها که سابقه دار در اعمال فشار هستند هراسید، چرا که چنین فرصتی هر یک قرن یک بار نصیب ما می شود. باید تمام توان خود برای در اختیار گرفتن بازار انرژی غرب، تاثیر مثبت گرفتن برای برجام و استفاده از توانمندی اوکراینی ها در ساختن زیر ساخت های لازم برای کشورمان را به کار بگیریم قبل از آن که اروپایی ها میدان را مال خود کنند.

داشتن دیپلماسی فعال از سوی دستگاه سیاست خارجی کشور و توجه نیروهای مسلح بر شناسایی ظرفیت های قابل بهره برداری کارشناسان اوکراینی در یچه ای برای خودکفایی در زمینه های فنی و دفاعی است و البته آشفته گی های پیش آمده در اوکراین بستری برای گسترش تروریسم و ترانزیت سلاح های متعارف و غیر متعارف به جبهه های فعال سلفی های تکفیری در غرب آسیاست.



منابع:

- ۱- <https://www.isna.ir/news/1400112721183/>
- ۲- <https://www.mashreghnews.ir/news/927140/>
- ۳- <https://ir.voanews.com/a/montenegro-join-nato-/3887867.html>
- ۴- <http://www.bbc.co.uk/persian/worldnews/story/2008/04/080403>
- ۵- <http://www.bbc.co.uk/persian/worldnews/story/2008/08/080817/>
- ۶- <https://www.irna.ir/news/84637992/>
- ۷- <https://www.irna.ir/news/84662415/>
- ۸- <https://www.irna.ir/news/84635819/>
- ۹- <https://www.aa.com.tr/fa/۲۵۱۰۸۷۲>
- ۱۰- <https://www.Wikipedia.org>